فصلنامه علمی ـ پژوهشی پژوهش‌نامه اخلاق
سال هفتم، تابستان ۱۳۹۳، شماره ۲۴
صفحات ۲۴ ـ ۷

PAZHUOHESH NAMEH-E AKHLAGH
A Research Journal
Vol. 7, Summer 2014, No. 24

چالش‌های اخلاقی فمینیسم در فرزندآوری از دیدگاه اسلام و راهکارهای آن

مهوش کهریزی*
سید علی حسینی‌زاده**
حسین بستان (نجفی)***

چکیده

در جوامع غربی به‌موازات گسترش نگرش‌های فردگرایانه، گرایش به داشتن فرزند کمتر شده است؛ زیرا فرزندان به‌طور طبیعی محدودیت‌ها و فشارهای روانی و اقتصادی متعددی را به خانواده تحمیل می‌کنند و درنتیجه به عاملی مؤثر در کاهش رضایت زناشویی مبدل شده‌اند که این امر موجب افزایش خانواده‌های بدون فرزند در جوامع صنعتی شده است. در مقابل، توصیه‌های دینی دربردارنده راهکارهایی هستند که اسلام از راه آنها کوشیده است فرزندان را به‌جای آنکه عاملی برای سرخوردگی و نارضایتی والدین باشند، به عاملی برای افزایش رضایت خاطر آنان و درنتیجه تحکیم پیوند زناشویی تبدیل کند. در آیین اسلام، وجود فرزندان مایه خیرات و برکات دنیوی و اخروی برای والدین است و آنها به هر دلیل، نباید خود را از این بهره‌مندی محروم سازند. در این پژوهش به روش توصیفی ـ تحلیلی، دیدگاه‌های اسلام و فمینیسم در موضوع تولید مثل و فرزندآوری با هم مقایسه شده و سپس چالش‌های اخلاقی فمینیسم برای خانواده در این موضوع و راهکارهای اسلام برای حل آنها بررسی شده است.

واژگان کلیدی

اسلام، فمینیسم، تولیدمثل، فرزندآوری، چالش‌های اخلاقی، راهکار.

---

*. عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشگاه معارف. m.kahrizi@iran.ir
**. عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
***. عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۲۰

طرح مسئله

مهم‌ترین علتی که انسان‌ها را به ازدواج و تشکیل خانواده وامی‌دارد، علاقه و نیاز به استمرار نسل است و ریشه این امر را می‌توان در علاقه همیشگی بشر به بقا و حب ذات دانست. نوع بشر همیشه در پی رمز و راز جاودانگی بوده و وقتی از خلود و وجود دائم خود در این دنیا ناامید شده، وجود نسل را تنها راه بقا و جاودانگی خود دانسته است. با توجه به دیدگاه‌های فمینیستی در زمینه‌های بارداری، تولیدمثل و سقط جنین که در این پژوهش به بررسی و تبیین آن خواهیم پرداخت، به نظر می‌رسد این نگرش، چالش‌های اخلاقی فراوانی را برای خانواده‌ها در موضوع فرزندآوری ایجاد کرده باشد؛ سؤال اساسی این پژوهش آن است که: این چالش‌ها کدام‌اند و از نظر اسلام، راهکارهای پیشگیری، رفع و درمان این مشکلات چیست؟

از آنجا که کشور ما در جهان شرق قرار دارد و فرهنگ حاکم بر آن فرهنگی اسلامی است و اکثریت مردم ما مسلمان هستند، مواجهه مناسب با این میهمانِ از جهان غرب و شناخت دقیق دیدگاه‌های آن در مباحث تولیدمثل، فرزندآوری و سقط جنین و بررسی نقاط ضعف آن به‌ویژه برای دختران جوان و نوجوان ما می‌تواند آنان را از خودباختگی فرهنگی نجات دهد. کشور ایران براساس آمار رسمی اعلام‌شده و پیش‌بینی رشد سالانه جمعیت آن به ۱ درصد در دوره زمانی ۱۴۱۰ ـ ۱۳۹۰، یعنی کاهش سطح باروری به زیر سطح جانشینی (بحران پیری)، با معضل پیری جمعیت در آینده و عواقب منفی آن روبه‌رو خواهد بود. این تحقیق می‌تواند جهت شناخت راه‌های افزایش جمعیت و تشویق و ترغیب خانواده‌ها به فرزندآوری و نیز از بین بردن سقط جنین مگر در موارد خاص، کارآمد باشد. گرچه تحقیقات زیادی در موضوع فمینیسم انجام گرفته و کتاب‌ها و مقالات متعددی چاپ شده است، محور اصلی این تحقیقات بررسی رویکرد فمینیستی از منظر روان‌شناختی، حقوقی، جامعه‌شناختی و ... بوده است و از دیدگاه اخلاقی، تحقیق مستقلی در این راستا انجام نگرفته و آسیب‌های اخلاقی این نگرش در پژوهش‌ها مغفول مانده است. در این تحقیق که به روش کتابخانه‌ای انجام گرفته، ابتدا دیدگاه فمینیسم در تولیدمثل، باروری و سقط جنین بررسی شده و سپس چالش‌های اخلاقی آن از دیدگاه اسلام مطرح شده است. در ادامه، دیدگاه اسلام در زمینه تولیدمثل، فرزندآوری و سقط جنین و راهکارهای آن جهت از بین بردن چالش‌های اخلاقی پیش رو بیان شده است.

تولید مثل و فمینیسم

«تولید مثل» مانند دیگر موضوعات مرتبط با زنان، در کانون توجه فمینیست‌ها قرار گرفته است؛ اما دیدگاه‌های آنها دراین‌باره متفاوت و گاه متناقض است. محور اصلی این پژوهش، بررسی و نقد

دیدگاه‌های گروه اول است که در پی خواهد آمد. فمینیست‌ها در زمینه تولیدمثل، به بحث‌های گوناگون پرداخته‌اند که در آنها دو مسئله از همه برجسته‌تر است: ۱. بارداری و تولید مثل و فنآوری پیشرفته آن؛ ۲. سقط جنین و حق زن در کنترل بدن خویش.

در نظر بسیاری از فمینیست‌ها، تولید مثل و مادری کردن، باری بر دوش زنان و بخشی از سرکوبی است که باید از سر راه زنان برداشته شود. این گروه فمینیست‌ها بیشتر، فناوری‌های جدید را که فشار تولید مثل بر زنان را کاهش می‌دهند، کلید آزادی زنان دانسته‌اند؛ اما در مقابل، گروهی دیگر بر این باورند که تولید مثل و مادری، یکی از بزرگترین لذت‌های زن بودن است و فقط باید آن را از کنترل جنس مذکر رهانید تا به یکی از مثبت‌ترین احساس‌های زنانه تبدیل شود. (چراغی، ۱۳۸۹: ۱۲۹ ـ ۱۲۸)

گروه اول

ازجمله سردمداران گروه اول می‌توان «شولامیت فایرستون»[1] را نامبرد. وی معتقد است تقسیم‌بندی زیست‌شناختی که وظیفه باروری را به زنان می‌سپرد، باعث سرکوب زنان می‌شود؛ زیرا از نظر وی، تولید مثل سرمنشأ سلطه مردان بر زنان است و تنها راه آزادی حقیقی زنان نیز رهانیدن آنها از بار تولید مثل، از رهگذر فناوری‌های علمی جدید است. (فریدمن، ۱۳۸۱: ۱۱۰) به نظر وی، زنان باید با استفاده از این تکنولوژی، خود را از قید و بندهای زیست‌شناختی‌شان آزاد نمایند. (Jaggar, 1994: 81) به نظر او دیگر سلطه مردان ضرورتی ندارد؛ چون پیشرفت فناوری‌های بارداری، امکان حذف مبنای زیستی فرودستی زنان را فراهم می‌کند. این پیشرفت، قید بچه‌داری (از راه آبستن شدن از مردان) را از گردن زنان برداشته است و یا برخواهد داشت و بچه‌دار شدن و بچه‌داری کردن می‌تواند به صورت وظیفه مشترک مرد و زن درآید. (آبوت و والاس، ۱۳۸۰: ۲۹۵)

«سیمون دوبوار»[2] تولید مثل را بردگی خوانده و فناوری جدید را نوید رهایی زنان از این بردگی دانسته است. وی با تولید مثل به‌عنوان عملی صرفاً طبیعی و حیوانی که با امکان ارتقا و تعالی زن منافات دارد، مخالفت می‌کرد. (Hekman, 1992: 7) وی دراین‌باره می‌نویسد:

> زن به‌نوبه خود در خلال قرن نوزدهم، از طبیعت نیز رها می‌شود؛ حق تسلط بر پیکر خود را کسب می‌کند. [زن] با گریختن از قسمت اعظم بردگی‌های تولید مثل می‌تواند وظیفه اقتصادی موردنظرش را برعهده بگیرد. (دوبوار، ۱۳۸۰: ۲۰۷)

1. Shulamith Firestone.
2. Simone De Beauvoir.

«فریدن»[1] نظریه‌پرداز فمینیسم لیبرال نیز معتقد است این حق زن و فقط زن است که بخواهد یا نخواهد که بچه‌دار شود. (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۲۵۰ ـ ۲۴۹) «آندره میشل»[2] از نظریه‌پردازان فمینیست با ابراز خرسندی از پیشرفت فناوری‌های علمی در پیشگیری از بارداری، آن را در جهت تمایل زنان بر تفکیک دو حوزه روابط جنسی و تولید مثل دانسته است. سیمون دوبوار گفته بود «آزادی زنان از شکم آغاز می‌شود» و از اینجا مبارزه بزرگ زنان شروع شد تا این وسایل در خدمت تمام زنان قرار گیرد و قوانین بازدارنده که هنوز در اکثر کشورها وجود دارد، ملغا شود. (میشل، ۱۳۷۶: ۱۱۷) «نلی روسل» فمینسیت فرانسوی نیز اعتصاب شکم‌ها را به زنان توصیه می‌کند. (اسحاقی، ۱۳۸۵: ۶۴) فمینیست‌های سوسیال بر این باورند که تا زمانی که خودِ زنان برای بچه‌دار شدن تصمیم نمی‌گیرند، آزاد نیستند. (جگر، ۱۳۷۸: ۲۸)

گروه دوم

اما گروهی دیگر از فمینیست‌ها ازجمله «مری آبرین»[3] در مخالفت با دیدگاه فایرستون، پیوند زنان با طبیعت از طریق تولید مثل را دارای پتانسیل آزادی‌بخشی دانسته است. (بستان، ۱۳۸۲: ۶)

همچنین «مارلین فرنچ»[4] فناوری جدید تولید مثل را نه‌تنها به نفع زنان ندانسته، بلکه وسیله‌ای برای منسوخ کردن زنان دانسته است (چراغی، ۱۳۸۹: ۱۳۴) وی دراین‌باره می‌گوید:

> در حال حاضر، اختراع تکنولوژی‌های مولّد می‌تواند زنان را منسوخ [کند] و آزمایشگاه‌ها وسیله جدیدی برای خشونت علیه زنان خواهد شد. (فرنچ، ۱۳۷۳: ۳۳۲ ـ ۳۳۱)

آدرین ریچ نیز معتقد است زنان به جای گرفتن موضعی انفعالی درباره بارداری و زایمان که باعث شده این تجربه برای آنها بیگانه‌ساز باشد، باید با آن فعالانه برخورد کنند و شادی‌های بارداری را احیا کنند. (بستان، ۱۳۸۵: ۷۳)

افراط‌گری فمینیست‌های گروه اول، موجب تولد نسل فمینیست‌های معتدل یا فرامدرن گردید؛ آنان بر حفظ ویژگی‌های زن بودن تأکید می‌ورزیدند و معتقد بودند باورهای جهان‌شمول فمینیست‌های رادیکال (کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان که همان انگاره‌ها و گزاره‌های فمینیستی است که شکل جهانی به خود گرفته است) نه‌تنها غیر قابل دسترسی است، می‌تواند گونه‌های جدیدی از ستم را بیافریند. به اعتقاد آنها زن نیازمند خانواده، همسر و فرزند است؛ اما با وجود این، آنها تشابه حقوق زن و مرد در خانواده و جامعه را لازم می‌دانستند و آن را ترویج می‌کردند.

1. Feridan.
2. Andree Michel.
3. Mary O’Brien.
4. Marilyn French.

چالش‌های اخلاقی فمینیسم در تولید مثل و فرزندآوری

در فردگرایی فمینیستی، جملاتی مانند زندگی خود را فدا کنم تا دیگری زندگی کند یا رنج را تحمل کنم تا دیگری بیاساید، معامله‌ای است که با هیچ محاسبه‌ای دارای ارزش نیست. در چنین جامعه‌ای یک کودک، آزادی پدر و مادر را مقید می‌کند و هم زنان و هم نظریه‌پردازان فمینیست به این باور رسیده‌اند که برای شادمانه زیستن و ایجاد فرصت‌های شغلی برابر، «فرهنگ زندگی بدون بچه و کنترل موالید» ترویج شود و اکنون غرب مانده و معضل رشد منفی جمعیت. در دورانی که ایده‌های فمینیستی و نماد جهانی آن (کنوانسیون) در محافل علمی و فرهنگی جهان حرکتی شتابنده و قابل قبول پیدا کرده است و عملاً جهانی‌سازی شکل گرفته و محدود کشورهایی عضو آن نشده‌اند و خانواده در نگاه حاکم بر کنوانسیون، جایی است که پیوندهای خانوادگی محکوم دیدگاه‌های فردگرایانه است و هیچ ارزشی نمی‌تواند تمایلات فردی در مورد عدم تمایل به فرزندآوری و تولید مثل را مقید کند، بررسی و تبیین چالش‌های اخلاقی موجود در این نگرش ضروری به نظر می‌رسد.

دیدگاه‌های گروه اول فمینیستی در از بین بردن انگیزهٔ بارداری در مادران یا گسترش تولید مثل از طریق مصنوعی و آزمایشگاهی و جایگزینی آن با حمل طبیعی در زنان با مشکلات پرشمار اخلاقی مواجه است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

تجاوز به نهاد خانواده (روابط عادی و معنوی زوجین)

خانواده قدیمی‌ترین و گران‌سنگ‌ترین نهاد اجتماعی است که بشر از خود به جا گذاشته است. این نهاد دارای چنان اهمیتی است که همه ادیان و مکاتب اخلاقی آن را تقدیس نموده‌اند و لطمه به آن را برنمی‌تابند. خانواده کانون گرمی برای تولید فرزند است و رابطه زن و مرد بر پایه عشق و محبت سامان می‌گیرد. در چنین فضایی، کودک متولد می‌شود و رشد و نمو می‌کند. جایگزینی تولید مثلِ آزمایشگاهی به‌جای تولید مثلِ طبیعی، یعنی ورود یک بیگانه در حلقه محرمانه و انحصاری خانواده و یک شیء و ابزار (لوله آزمایشگاه) که خارج از محدوده انحصاری است، وارد محدوده انحصاری شده و سهم عمده‌ای در این مجموعه پیدا کرده و جایگزین نقش مادر در ایام حمل و بارداری شده است. ورود این بیگانه باعث تجاوز به روابط عادی و معنوی زن و شوهر و نهاد مقدس خانواده می‌گردد.

الف) رشد کمتر برخی از فضایل اخلاقی (ایثار و گذشت) در مادر

رابطه عاشقانه بین کودک و مادر، تکیه‌گاه وثیق و نیرومندی برای مادر و به‌ویژه کودک است که استفاده از لوله آزمایشگاه این رابطه را به‌شدت آسیب‌پذیر کرده، سرمایه و تکیه‌گاه روانی و عاطفی کودک را تباه

خواهد ساخت؛ زیرا مادر احساس متفاوتی نسبت به کودکی که او را در درونش و با شیره جانش پرورده و به مرحله تولد رسانده و شب و روز در خلوت و جلوت با او قرین و دمساز بوده و فرزند طبیعی اوست، دارد؛ کودکی که در فضای رحم مادر رشد و نمو می‌کند، پیوند محکمی با او پیدا می‌کند و احساس تعلق و عشق مادر به او باعث بروز سجایای اخلاقی مانند ایثار و گذشت و محبت و مهربانی می‌گردد؛ اما تولد آزمایشگاهی، تولدی بی‌عشق است و ظهور این فضایل ارزشمند اخلاقی در مادر رشد کمتری دارد و مادر را نه‌تنها به نامادری، که از آن‌هم کمتر و به ربات مصنوعی نزدیک می‌سازد.

ب) امکان برخی از استفاده‌های غیر اخلاقی و خطرناک

تولد کودک از طریق غیرِ رحم مادر، همواره در معرض سوءاستفاده و استفاده افسارگسیخته و خطرناک می‌باشد؛ برخی از این سوءاستفاده‌های غیر اخلاقی عبارتند از:

۱. در این روش، روند طبیعی خلقت تغییر می‌کند و آسان‌گرایی در تولید مثل و گریز غیر منطقی از رنج بارداری و زایمان به‌سبب هوا و هوس، مثل حفظ زیبایی رواج می‌یابد.

۲. افراد مجرد یا زن و مردی که همسر شرعی و قانونی هم نبوده و ازدواج رسمی ننموده‌اند و علی‌رغم آن با هم زندگی می‌کنند و تمایل به داشتن فرزند دارند، به‌راحتی می‌توانند از طریق آزمایشگاهی فرزنددار شوند.

۳. آزمایشگاه‌ها می‌توانند چند تخمک را بارور نموده و جنین‌های حاصل از آن را برای استفاده‌های بعدی منجمد نمایند؛ این عمل علاوه بر اینکه نقض کرامت و حرمت انسانی است، می‌تواند به خرید و فروش انسان بینجامد؛ چراکه فروش آنها به زوج‌های دیگرِ متقاضی فرزند، حتی بدون اطلاع والدین اصلی امکان‌پذیر می‌باشد.

۴. اگر پزشکی تعهد اخلاقی لازم را نداشته باشد، احتمال دارد اسپرم را سرقت کند و زن دیگری را از طریق آن باردار نماید که این امر باعث ورود فرزندان مجهول‌الهویه به خانواده‌ها می‌شود و مشکلات اخلاقی و غیر اخلاقی جبران‌ناپذیری را به بار خواهد آورد.

۵. به دلیل اینکه در تولید مثل آزمایشگاهی، ارتباط عاطفی و روانیِ ضعیفی بین مادر و کودک وجود دارد و مهر، محبت، عواطف و احساسات زمان بارداری بین مادر و فرزند برقرار نیست، ممکن است این در بزرگسالی به‌دلیل وجود غرایز جنسی و عدم عاطفهٔ اصیل مادری و فرزندی، موجب سوء استفاده جنسی مادران از فرزندانِ پسرِ خود شود.

فمینیسم و سقط جنین

یکی از معروف‌ترین و پردامنه‌ترین مطالبات فمینیستی که حتی در شکل‌های اولیه آن هم دیده می‌شود،

مبارزه برای تصویب حق سقط جنین بوده است. (دولتی، ۱۳۸۸: ۱۵۰) فمینیست‌های افراطی برای رهانیدن زنان از زیر بار مسئولیت پرورش کودکان و دستیابی به استقلال فردی، سقط جنین را پیشنهاد می‌کنند؛ به این معنا که هر زنی در هر زمان که بخواهد، بتواند جنین خود را از بین ببرد و خود را از قید تقیدات او برهاند. (اچ یورک، ۱۳۷۸: ۴۵۷) از نظر فمینیست‌ها، ممنوع یا محدود بودن سقط جنین از یک‌سو با آزادی زنان در کنترل بدن خود منافات دارد و از سوی دیگر، سبب‌ساز استمرار ستم به زنان می‌شود، ازاین‌رو با توجه به اینکه حاملگی در اغلب موارد زنان را به مردان وابسته می‌سازد و این وابستگی نیز زمینه‌ساز اصلی ستم جنسی است، دسترسی آزاد و آسان به امکانات سقط جنین می‌تواند تا حدودی از استمرار ستم‌دیدگی زنان پیشگیری کند. فمینیست‌های رادیکال را می‌توان سرسخت‌ترین حامیان و مدعیان سقط جنین دانست. (چراغی، ۱۳۸۹: ۱۳۶) آنها معتقدند زن حق دارد بر جسم خود کنترل داشته باشد؛ زیرا جسم زنان، بنیان فیزیکی است که از آن به‌سوی جهان حرکت می‌کنند و زنان باید درباره جسم خود آگاهی و بر آن کنترل داشته باشند. به باور آنان، زنان حق پایان دادن به بارداری خود یا سقط جنین را دارند و این امری شخصی و مربوط به خود زن است، نه دولت. (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۲۸۶) فمینیسم سوسیالیسم، چهار آزادی را برای زنان معرفی می‌کند: روابط نامشروع حتی با هم‌جنس، خودارضایی، کنترل موالید بدون نیاز به هماهنگی با همسر و سقط جنین. (متمسک، ۱۳۸۰: ۴۸۲)

چالش‌های اخلاقی فمینیسم در سقط جنین

مهم‌ترین چالش‌های اخلاقی سقط جنین برای خانواده‌ها و در نهایت برای جامعه عبارت است از:

الف) تعارض با اخلاق مراقبت

آنچه می‌تواند سقط جنین را به چالش بکشاند، منافات آن با اخلاق مراقبت است که فمینیست‌ها آن را به‌عنوان بهترین نمونه و الگوی رفتاری اخلاقی پیشنهاد می‌کنند. (دولتی، ۱۳۸۸: ۱۵۰) اکنون سؤال اینجا است که آیا جنین به‌عنوان کوچک‌ترین و ضعیف‌ترین نوع انسانی، استحقاق بذل محبت و انجام مراقبت را دارد یا خیر؟ اگر فمینیست‌ها مدعی هستند که زنان در روابط اخلاقی درهم‌تنیده‌ای از احساسات و عواطف مرتبط با دیگران محصور هستند، پس می‌توان جنین را هم یک سوی این رابطه در نظر گرفت. بنابراین چگونه باید حقوق جنین را که دارای نفس بشری است، در سیستم اخلاق مراقبت فمینیستی تحلیل کرد؟ آیا سقط جنین در فلسفه اخلاق مراقبت، امری غیراخلاقی نیست؟ (ال هولمز، ۱۳۸۲: ۳۹۳)

ب) ارتکاب قتل (بعد از ولوج روح)

اکثر قریب به اتفاق انسان‌ها از تمدن‌های گوناگون ـ چه براساس مقررات قانونی و چه طبق نظرسنجی‌های عمومی در گذشته و حال ـ همواره با سقط جنین به‌شدت مخالف بوده‌اند. بیشترِ ادیان نیز سقط جنین را جرم یا گناه می‌دانند. در سوگندنامه بقراط که آغاز آن به روزگار سقراط در یونان قدیم بازمی‌گردد، آمده است: «... من هرگز به خواست کسی که داروی مرگ‌آوری طلب کند، وقعی نخواهم نهاد، همچنین هیچ‌گاه داروی سقط جنین به زنی نخواهم داد ... .» در عهدنامه ژنو ـ که مصوب انجمن جهانی پزشکان در سال ۱۹۴۸ است ـ نیز به تأثیر از عهدنامه بقراط چنین آمده است: «من عالی‌ترین احترام را برای زندگی بشر از زمان انعقاد نطفه قائل خواهم شد». (کمپل، ۱۳۷۲: ۱۸۹)

در نظام حقوقی ایران نیز که برگرفته از احکام شریعت اسلامی و دیدگاه‌های فقها است، سقط عمدی جنین به‌طورکلی از زمان انعقاد نطفه تا لحظه تولد، جرم است و مجازات دارد و مرتکب آن به مجازات‌های مقرر محکوم می‌گردد. البته قانون در موارد استثنایی، سقط را مجاز دانسته است. (حمزه سالارزایی، ۱۳۸۶: ۴۶) عقل نیز سقط جنین را ظلم و قتل می‌داند؛ زیرا وابستگی جنین به مادر طبیعی است و از این حیث، این وابستگی طبیعی، حقی طبیعی را برای نوزاد متولدنشده به ارمغان می‌آورد. مادر نسبت به وابستگی جنین به خودش کاملاً مسئول است و وقتی کسی نسبت به این‌گونه وابستگی مسئولیت کامل داشته باشد، در این صورت خودداری از ادامه کمک در واقع قتل محسوب می‌شود و سقط جنین تعدی به کسی است که قادر به دفاع از خود نیست. بنابراین با توجه به اینکه حیات جنینی دارای دو مرحله متمایز از هم، یعنی دورهٔ قبل از ولوج روح و دورهٔ بعد از آن است و در دوره قبل از ولوج روح، جنین دارای حیات نباتی و در مسیر رشد و انسان شدن قرار دارد، پس سقط جنین حرام است و چون او بعد از ولوج روح، انسانِ کامل است، سقط آن قتل محسوب می‌گردد. آیت‌الله مکارم شیرازی دراین‌باره می‌گوید: قبل از دمیده شدن روح به دلیل اینکه جنین دارای حیات نباتی است و انسانِ بالفعل نیست، سقط آن، قتل نفس محسوب نمی‌شود و به دلیل آیات و روایات حرام است؛ (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲: ۲۸۶) اما بعد از دمیده شدن روح، جنینِ انسان همانند سایر انسان‌ها است و سقط آن قتل محسوب می‌گردد؛ خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَ لا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ؛ و شخصی را که خدا [کشتن او را] حرام کرده است، نکشید.» (انعام / ۱۵۱) از این آیه استفاده می‌شود که هرچه عنوان «نفس» بر آن اطلاق می‌شود، محترم است و حق حیات دارد و سلب حیات از آن حرام است (چراغی، ۱۳۸۹: ۲۱۳)

تولید مثل و اسلام

در جوامع غربی به‌موازات گسترش نگرش‌های فردگرایانه، گرایش به داشتن فرزند کمتر شده است؛ زیرا

فرزندان به‌طور طبیعی محدودیت‌ها و فشارهای روانی و اقتصادی متعددی را به خانواده تحمیل می‌کنند و در نتیجه فرزندان به عاملی مؤثر در کاهش رضایت زناشویی مبدل شده‌اند که این امر موجب افزایش خانواده‌های بدون فرزند در جوامع صنعتی شده است. (بستان، ۱۳۹۰: ۱۸۵) در اسلام، این مطلب مفروض است که فرزند در مراحل مختلف حیات خود، مشکلات جسمی و روحی گوناگونی را بر والدین تحمیل می‌کند: «وَ وَصَّيْنَا الإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ حَمْلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلاثُونَ شَهْرًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً ...؛ (احقاف / ۱۵) و به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند؛ مادرش با ناگواری او را بارداری کرد و با ناگواری او را بزاد و بارداری او و از شیر بازگرفتنش سی ماه است؛ تا اینکه به حدّ رشدش برسد و به چهل سالگی برسد ... .» با وجود این، توصیه‌های دینی دربردارنده راهکارهایی هستند که اسلام از راه آنها کوشیده است تا فرزندان به‌جای آنکه عاملی برای سرخوردگی و نارضایتی والدین باشند، عاملی برای افزایش رضایت خاطر آنان و در نتیجه تحکیم پیوند زناشویی باشند. (همان)

از نظر اسلام، فرزندان از ارکان مهم خانواده محسوب می‌شوند؛ از مجموع آیات و روایات استفاده می‌شود که فرزندان مواهب و نعمت‌های خداوندی به والدین هستند و اگر پدر و مادرها به وظایف خود در قبال آنها به‌درستی عمل کنند، می‌توانند از این نعمت‌های خداوندی همچون سایر نعمت‌ها بهره‌مند شوند.

راهکارهای اسلام در جهت تشویق والدین به فرزندآوری

اسلام با ارائه دستورهای خاص به والدین، آنان را به فرزندآوری تشویق نموده است و از فرزندان نیز می‌خواهد نهایت احترام و ادب را در مقابل آنان رعایت کنند تا مشقت تربیت آنان بر والدین آسان گردد؛ به‌ویژه مادر که ماه‌ها طفل را در رحم خود با شیره جانش و بعد از تولد، ماه‌ها از مجرای سینه‌اش که کانون عواطف پاک و جایگاه قلب پرمهر اوست، پرورش می‌دهد و از آن پس نیز همواره هستی‌اش را برای هستی فرزند خود می‌خواهد. این حمل و شیردهی فرزند برای او مشقت‌هایی را در پی خواهد داشت و با توجه به پاداش‌های الهی و تکریم ویژه فرزندان از وی، تحمل رنج‌ها بر او هموار می‌گردد.

الف) وظیفه دینی

در فرهنگ اسلامی، فرزند از بهترین و ارزشمندترین جایگاه‌ها بهره‌مند است و فرزندآوری یک مسئولیت خطیر و وظیفه دینی تلقی می‌شود. والدین به این وظیفه نگاه تقدس‌گونه دارند و در برابر آن با کمال وجود آمادگی پیدا می‌کنند. امروزه در کشورهای صنعتی غرب، مسئله فرزندآوری یک انتخاب شخصی است و افزایش روش‌های کنترل موالید، افراد را قادر می‌سازد تا از فرزندآوری اجتناب ورزند؛ اما در

فرهنگ اسلامی، فرزند یا نعمت است یا رحمت و به داشتن فرزند و توالد و تناسل به‌عنوان وظیفه‌ای دینی و شرعی توصیه اکید شده است. در انتخاب همسر نیز فردی توصیه می‌شود که قابلیت فرزندآوری داشته باشد. در آموزه‌های دینی، والدین در مقابل فرزندان مسئول هستند و بنابراین خانواده‌هایی که به سعادت فرزندان خود می‌اندیشند و درباره آینده آنها احساس مسئولیت می‌کنند، باید برای طفل، قبل از تولدش و بلکه قبل از انعقاد نطفه برنامه‌ریزی کنند و همه نیازهای کودکان را برای رشد و تعالی ایشان تأمین نمایند. (بشیری، ۱۳۸۸: ۹۷)

ب) یادآوری اهمیت و ارزش مادی فرزند

برخی از روایات، مسلمانان را به تولیدمثل تشویق و تأکید می‌کند که از تأمین و تغذیه آنان هراس نداشته باشند؛ چراکه خداوند خود روزی آنها را مقدر فرموده است. شخصی به امام رضاؑ نامه‌ای نوشت که من از پنج سال پیش از بچه‌دار شدن خودداری می‌کنم؛ چراکه همسرم داشتن بچه را خوش نمی‌دارد و می‌گوید: به دلیل اینکه درآمد خوبی نداریم، تربیت و بزرگ کردن آنان برای من دشوار است. نظر شما چیست؟ امام در جواب او نوشتند: «بچه‌دار شوید و بدانید که خداوند آنها را روزی می‌دهد». (حر عاملی، ۱۳۷۴: ۱۵ / ۹۹)

قرآن زاد و ولد را لطف و مرحمت خدا و نشانه‌ای از قدرت لایتناهی او می‌خواند: «گفت: ای قوم من! در حقیقت، من برای شما هشدارگری روشنگرم» (نوح / ۲) یا: «سپس دوباره، (پیروزی) بر آنان را به شما بازگردانیم و شما را به وسیله اموال و پسران اِمداد رسانیم و نفرات شما را بیشتر (از دشمن) قرار دهیم.» (اسراء / ۶) در آیات ذکرشده افزایش فرزند و باروری زیاد همراه با مال و ثروت و ملک از نمونه‌های الطاف الهی شمرده می‌شود. اسلام نه‌تنها تشکیل خانواده و فرزندآوری را باعث مشکلات معیشتی در خانواده نمی‌داند، توسعه معیشتی را پس از ازدواج و صاحب فرزند شدن به‌واسطه تلاش و برکت همراه آن تضمین کرده است. خداوند در پرتو ازدواج و فرزند، برکت و بی‌نیازی را به انسان عطا می‌کند: «وَ لا تَقْتُلُوا أَوْلادَكُمْ مِنْ إِمْلاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِيَّاهُمْ؛ (انعام / ۱۵۱) و فرزندانتان را از فقر نکشید؛ ما، شما و آنان را روزی می‌دهیم.» خداوند در مقام نهی کردن از کشتن فرزندان فرموده: منطق شما در فرزندکشی جز این نیست که نمی‌توانید روزی و هزینهٔ زندگی آنان را فراهم نمایید که این خود منطقی غلط است؛ زیرا این شما نیستید که روزی فرزندانتان را فراهم می‌کنید؛ بلکه خدای تعالی است که روزی ایشان و خود شما را می‌دهد؛ پس شما چرا می‌ترسید و از ترس، آنان را به دست خود از بین می‌برید؟ (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۵۱۶)

خداوند در این آیه، افرادی را که فرزندانشان را از ترس فقر و تنگدستی به قتل می‌رساندند، به خوان گستردهٔ نعمت پروردگار که ضعیف‌ترین موجودات نیز از آن روزی می‌خورند، توجه داده است و از این کار

بازمی‌دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳: ۳۴) فرزندکشی و سقط جنین از ترس فقر، عملی جاهلانه است و اگر خدا ضامن روزی است، ترس از فقر چه معنایی خواهد داشت؟ (قرائتی، ۱۳۷۷: ۴۳۳) یکی از آموزه‌هایی که در روایات بر آن تأکید شده، این است که فرزند موجب برکت در خانواده است. پیغمبر اکرمﷺ می‌فرماید: «بیت لا صبیان فیه لا برکة فیه». (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۲۷۴ / ۱۶)

ج) یادآوری اهمیت و ارزش معنوی فرزند

در برخی روایات، بارداری هم‌تراز ارزش‌های بزرگی همچون جهاد در راه خدا قرار گرفته است. ازجمله امام صادقؑ فرموده است:

> ام‌سلمه به پیامبر عرض کرد: ای رسول خدا، مردها همه خیرها را به چنگ آوردند؛ پس برای زنان بیچاره چه سهمی است؟ حضرت در پاسخ فرمود: چنین نیست. زن در هنگام بارداری به‌منزله کسی است که روزها روزه‌دار و شب‌ها در حال عبادت است و با مال و جانش در راه خدا جهاد می‌کند. پس زمانی که وضع حمل کند، مستحق پاداشی می‌گردد که به سبب بزرگی آن، هیچ‌کس توان درکش را ندارد و آنگاه که کودکش را شیر می‌دهد، در ازای هر مکیدنی معادل آزاد کردن یکی از فرزندان اسماعیل که وقف عبادت خدا شده، به وی پاداش تعلق می‌گیرد. پس هنگامی که از شیر دادن فارغ گردید، فرشته بزرگواری بر پهلوی او زده، می‌گوید: اعمال خود را از سرگیر، به‌درستی که تمام گناهانت آمرزیده شد. (حر عاملی، ۱۳۷۴: ۱۵ / ۱۷۵)

از نظر اسلام تولیدمثل، فرآیند انسان‌سازی و مسیری است که در آن جانشین خدا در زمین، هستی می‌یابد؛ این نوع نگاه، ارزش تولیدمثل را افزایش می‌دهد و آن را در سطح فریضه‌ای همانند جهاد در راه خدا و تلاش برای گسترش دین اسلام قرار می‌دهد. (چراغی، ۱۳۸۹: ۲۰۸) در روایات فراوانی می‌خوانیم که پیغمبر اکرمﷺ و ائمه طاهرینؑ فرموده‌اند: «هر کس بمیرد، عملش قطع می‌شود ... مگر آن کسی که باقیات صالحاتی از خود بر جا گذاشته باشد.» سپس می‌فرمایند: «یکی از مصادیق باقیات صالحات، اولاد صالح است. اگر اولاد صالح نماز بخواند، روزه بگیرد یا هر کار خیری انجام دهد، ثوابش از آنِ پدر و مادر هم هست.» لذا امام صادقؑ می‌فرماید: «عمل چنین کسی قطع نمی‌شود».

فرزندان نعمت‌هایی برای والدین هستند و اگر والدین به وظایف خود در قبال آنها عمل کنند و آنچنان‌که شرع توصیه کرده، نسبت به آنها و تربیتشان اهتمام داشته باشند، می‌توانند از این نعمت‌ها همچون سایر نعمت‌های الهی بهره‌مند شوند. پس باید کوشید تا راه درست بهره بردن از این

نعمت‌های الهی را ـ که با تربیت صحیح آنها میسر است ـ از سیره معصومان﵈ دریافت و بر بهره خویش در مسیر تکامل و قرب خدا افزود. (حسینی‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۰)

بنابراین برخلاف مکتب فمینیسم که بارداری و فرآیند تولید مثل را باری بر دوش زنان دانسته، آن را مایه ستم به آنان می‌شمارد، نگاه اسلام به آن توأم با ارزش و احترام است و فریضه فرزندآوری ارزش‌های مادی و معنوی فراوانی دارد. با چنین نگرشی، فرایند تولیدمثل نه‌تنها قیدوبندی بر سر راه آزادی زنان نخواهد بود، خود کلیدی برای آزادی معنوی و وسیله‌ای برای ارتقا و تعالی حقیقی فرد است که خداوند یکتا آن را در انحصار زنان قرار داده است. (بستان، ۱۳۸۲: ۷)

اسلام و سقط جنین

اسلام برخلاف نگرش لیبرالیستی فمینیسم که به‌دلیل اعتقاد به اصالت فرد و منافع فردی (اومانیسم) زنان را مالک جسم خود می‌داند و حکم به جواز سقط جنین می‌دهد، با سقط جنین در هر مرحله آن مخالف است. در اندیشه اسلام، حیات انسان نه از بدو تولد، بلکه از دوره جنینی آغاز می‌شود (چراغی، ۱۳۸۹: ۲۶۹) به‌لحاظ اینکه اسلام حق حیات را برای انسان از دوران جنینی ثابت می‌داند، سقط جنین ارتکاب قتل به‌شمار آمده و به‌جز در موارد خاص ممنوع شده است. بنابراین ادعای فمینیستی مبنی بر اینکه جنین جزئی از بدن زن است و بدین لحاظ زن باید حق کنترل بر بدن خویش را داشته باشد، ادعایی غیر قابل قبول و ناشی از فردگرایی افراطی حاکم بر اندیشه غربی است. (بستان، ۱۳۸۲: ۷)

مهم در اندیشه اسلام، حیات انسان است و حیات انسان از بدو تولد آغاز نمی‌شود؛ بلکه سرآغاز آن دوران جنینی است. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ؛ در حقیقت، ما انسان را از آب اندک سیال مخلوط آفریدیم.» (انسان / ۲) منشأ انسان، نطفه و جنینی است که روح در آن دمیده شده و حیات انسان حتی پیش از تشکیل نطفه نیز کانون توجه قرار می‌گیرد. ازاین‌رو به جوانان جامعه اسلامی سفارش شده که در انتخاب همسر، معیارهایی را در نظر بگیرند که به ایجاد نسل سالم و صالح بینجامد. همچنین اسلام در چگونگی ارتباط جنسی با همسر و در تغذیه و نوع رفتارها در دوران بارداری، به اموری توجه می‌کند که موجب تولد نوزادی سالم و صالح شود.

در این نگرش، سلب زندگی از جنین جرم به‌شمار می‌آید و حیات انسان چه مادی و چه معنوی از آن خداوند است و هیچ انسانی بدون اذن الهی حق تصرف در آن را ندارد. ازاین‌رو خودکشی و از بین بردن حیات خویشتن نیز امری ممنوع و حرام است. روشن است که لازمه چنین نگاهی، حرمت سقط جنین است؛ اما فقهای امامیه اتفاق دارند که هرگاه حیات مادر متوقف بر سقط جنینی باشد که روح در آن

دمیده نشده و به حد انسانی کامل که بر او لفظ «انسان» یا «نفس محترمه» صدق کند، نرسیده باشد، سقط آن جایز است؛ زیرا حیات مادر از نظر شارع مهم‌تر است. (نوذری، ۱۳۸۴: ۵۶)

دبیر شورای نگهبان در ضمن استفتائاتی از امام در این خصوص آورده است که ایشان سقط پیش از ولوج روح را به‌منظور حفظ جان مادر جایز، بلکه لازم دانسته‌اند؛ (مهرپور، ۱۳۷۱: ۲۲۸) اما پس از دمیدن روح، جنین مانند زنِ باردار، انسان کامل به‌شمار می‌آید. دربارهٔ سقط جنین در این مرحله، امام می‌فرماید: پس از ولوج روح، هر دو نفس محترمه هستند و برای حفظ یکی از آن دو، کشتن دیگری جایز نیست. (همان) بنابراین فقها تفاوتی بین جنایت بر مادر و جنین قائل نشده و در هر دو مورد، حکم به قصاص داده‌اند؛ زیرا هر دو انسان کامل و مصداق نفس محترمه هستند. اسحاق بن عمار می‌گوید: از امام کاظم‌علیه‌السلام پرسیدم: آیا زنی که از ادامه حاملگی خود می‌ترسد، می‌تواند دارویی استعمال کند تا جنین خود را سقط کند؟ حضرت پاسخ دادند: «جایز نیست». اسحاق می‌گوید: اگر حمل آن زن در مرحله نطفه باشد، چطور؟ حضرت می‌فرماید: «خلقت انسان همان نطفه است.» (حر عاملی، ۱۳۷۴: ۱۹ / ۱۵)

دیدگاه اسلام در زمینه حقوق جنین دیدگاهی میانه است؛ یعنی هم با آزادی بی‌قید و شرط سقط جنین مخالف است و هم حکم به حرمت مطلق آن نمی‌دهد؛ بلکه با ارج نهادن به جنین در تمام مراحل تکامل، هرگونه تعرض و آسیب رساندن به آن را ـ جز در موارد استثنایی که در بحث‌های گذشته به آن اشاره شد ـ حرام دانسته است.

راهکارهای اسلام برای جلوگیری از سقط جنین

اسلام ضمن مخالفت شدید با سقط جنین و برابر دانستن آن با قتل بعد از ولوج روح، جهت جلوگیری از وقوع آن راهکارهایی ارائه داده که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

الف) تعادل در آزادی

تمام حرکت‌های انسانی برخاسته از تلاش برای ایجاد نظامی متعادل است که تأمین‌کننده نیاز انسان‌ها در حد عمومی جامعه باشد. طبیعی است که آزادی از دید مصلحت عمومی انسان‌ها و در یک نگاه انسانی ـ فلسفی دارای مرزبندی اخلاقی است و انسان باید دریابد که حق زندگی منحصر به او نیست؛ بلکه برای او و دیگران است و ازاین‌رو او حق ندارد دیگران را نادیده بگیرد یا حیات را از آنان سلب نماید. بنابراین آزادی باید مقررات و قید و بندهایی داشته باشد تا به اسم آن به حدود دیگری تعدی نشود. این امر برای تعادل آزادی در همه‌جا ضروری است. گرچه در فلسفه مادی از آزادی فردی به‌طور شبه مطلق سخن گفته می‌شود و آنها هیچ مرزی برای آن جز در مواردی که به رفتاری خصمانه با دیگران بینجامد،

قائل نیستند و هر انسانی چه مرد و چه زن را در حدود زندگانی شخصی‌اش آزاد می‌بینند، (فضل‌الله، ۱۳۸۷: ۵۴) از نظر اسلام، انسان در مواردی آزاد است که افزون بر اینکه مزاحمتی برای حقوق دیگران ایجاد نمی‌کند، به کمال حقیقی خود او نیز لطمه‌ای وارد نسازد؛ زیرا ملاک ارزش در اسلام، تأثیرگذاری در کمال حقیقی است و چون تشخیص این امر در بسیاری از موارد برای انسان مشکل است، خداوند حد و مرز آن را از طریق انبیا برای بشر بیان کرده است. (مصباح یزدی، ۱۳۶۷: ۸۵ ـ ۸۴)

ب) پرهیز از خیانت در امانت

اسلام با رد نمودن آزادی کامل و بدون حد و حصر در سقط جنین، برای جلوگیری از سقط غیرشرعی و در واقع قتل او، مالکیت خداوند در تمامی زمینه‌ها را یادآوری نموده و خود را مالک حقیقی و تمامی مالکیت‌ها را مالکیت اعتباری و غیر واقعی می‌داند. در این دیدگاه که خداوند مالک علی‌الاطلاق است، همه‌چیز در دست انسان ودیعه الهی است که برای مدت زمانی خاص در اختیار وی قرار داده شده است. لذا با تأکید بر حفظ اصول امانت‌داری، انسان را از هرگونه خیانت در امانت یا آسیب رساندن به آن منع می‌نماید. از دیدگاه اسلام، خدا تنها خالق انسان نیست؛ بلکه علاوه بر خلق او مالک و مدبر او نیز هست و تصرفات انسانی در خود و دیگران باید با اجازه او باشد: «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ؛ (طه / ۵۰) گفت: پروردگار ما کسی است که به هر چیزی، آفرینشی [درخور] او عطا کرده؛ سپس راهنمایی نموده است» یا: «وَ آتُوهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ؛ (نور / ۳۳) و از مال خدا که به شما داده، به آنان بدهید.» در این آیه خداوند تصریح می‌کند که آنچه در دست شماست، مال خدا است که به شما داده است. حال اگر مالی که انسان با زحمت و تلاش به دست می‌آورد، از آنِ خدا است، پس جان او نیز که خود در به دست آوردن آن تلاشی نکرده، از آنِ خدا است و مالک واقعی همه‌چیز تنها خدا است و اگر انسان نیز چند روزی مالک تلقی می‌شود، مالکیت او اعتباری است، نه واقعی. (حسینی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۲۵)

همچنین قرآن می‌فرماید: «آمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ أَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ ...؛ (حدید / ۷) به خدا و فرستاده‌اش ایمان آورید و از آنچه شما را جانشین در آن قرار داده، [در راه خدا] هزینه کنید.» براساس آیات ذکرشده، مالک انسان خدا است، نه اینکه انسان مالک خویش باشد و هرگونه که خود بخواهد، با هستی خود و آنچه در اختیار اوست، رفتار کند. ازاین‌رو از دیدگاه اسلامی، انسان نه‌تنها حق صدمه رساندن به جان دیگران را ندارد، حق صدمه رساندن به جان خویش و خودکشی را نیز ندارد. برخلاف نظر فمینیسم، از نظر اسلام، مالک مطلقِ هستی خدا است که در مواردی انسان را مالک برخی امور قرار داده و این مالکیت نیز در طول مالکیت خدا است و هرگاه بخواهد، این مالکیت را از او می‌گیرد.

افزون بر این، او برای این مالکیت نیز شرایطی قرار داده و احکامی شرعی وضع کرده است که مادامی که انسان به احکام پایبند باشد، مالکیت او محفوظ است. ازاین‌رو انسان نمی‌تواند جان و عمر خود و آنچه را از دسترنج خود به دست می‌آورد، در هر راهی که می‌خواهد صرف کند؛ بلکه باید آنها را در راه‌هایی که شرع مجاز می‌داند، صرف نماید. (همان: ۱۷۰) براساس این آیه قرآن کریم که: «أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ؛ (واقعه / ۵۹ ـ ۵۸) و آیا آنچه را از منی می‌ریزید، ملاحظه کرده‌اید؟! آیا شما آن را آفریدید یا ما آفریننده‌ایم؟!» اسلام مادر را مالک واقعی جسم خود و جنین نمی‌داند تا هرگونه بخواهد، در مورد حیات او تصمیم‌گیری نماید، بلکه هرگونه آسیب به جنین را خیانت در امانت خداوند و مصداق قتل دیده، عامل قتل را مستوجب عذاب دنیوی و اخروی می‌داند.

نتیجه

نوع بشر همیشه در پی رمزوراز جاودانگی بوده و وقتی از خلود و وجود دائم خود در این دنیا ناامید شده، وجود نسل را تنها راه بقا و جاودانگی خود دانسته است. به بیان دیگر، فرزندخواهی و فرزنددوستی را می‌توان میلی فطری و طبیعی دانست؛ برخلاف فمینیسم که بارداری و فرآیند تولید مثل را باری بر زنان دانسته، آن را مایه ستم به آنان می‌شمارد؛ در نگرش اسلامی، امر تولید مثل، مثبت ارزش‌گذاری شده و با ارزش‌های بزرگی چون جهاد در راه خدا برابر دانسته شده است. مکتب فمینیسم به‌دلیل اعتقاد به اصالت فرد و منافع فردی، زنان را مالک جسم خود می‌داند و سقط جنین را ترویج می‌نماید؛ اما در اسلام حیات انسان از دوره جنینی آغاز می‌گردد و سلب حیات از جنین جرم شمرده می‌شود. رویکرد فمینیستی در موضوع تولیدمثل و فرزندآوری و سقط جنین، چالش‌هایی اخلاقی مانند: تجاوز به نهاد خانواده، رشد کمتر برخی از فضایل اخلاقی (ایثار و گذشت) در مادر، امکان برخی از استفاده‌های غیر اخلاقی و خطرناک، تعارض با اخلاق مراقبت و ارتکاب قتل را در خانواده‌ها ایجاد می‌کند که با راهکارهای اسلامی مانند: تولیدمثل به‌عنوان یک وظیفه دینی، یادآوری اهمیت و ارزش مادی فرزند، یادآوری اهمیت و ارزش معنوی فرزند، تعادل در آزادی و پرهیز از خیانت در امانت، قابل پیشگیری است.

منابع و مآخذ

۱. *قرآن کریم*، ترجمه محمد الهی قمشه‌ای.

۲. آبوت، پاملا و والاس، کلر، ۱۳۸۰، *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران، نی.

۳. ال هولمز، ۱۳۸۲، *مبانی فلسفه اخلاق*، ترجمه مسعود علیا، تهران، ققنوس.

٤. اچ یورک، رابرت، ۱۳۷۸، ***در سراشیب به‌سوی گومرا***، ترجمه الهه هاشمی حائری، تهران، حکمت.

٥. اسحاقی، سید حسین، ۱۳۸۵، فمینیسم، قم، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما.

٦. بستان، حسین، ۱۳۸۲، «کارکردهای خانواده از منظر اسلام و فمینیسم»، ***مجله حوزه و دانشگاه***، سال نهم، شماره ۳۵.

۷. ـــــــــــ، ۱۳۸۵، ***اسلام و جامعه‌شناسی خانواده***، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۸. ـــــــــــ، ۱۳۹۰، ***جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی***، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۹. بشیری، ابوالقاسم، ۱۳۸۸، ***اشتغال زوجین***، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی‌ﷺ.

۱۰. جگر، آلیسون، ۱۳۷۸، ***چهار تلقی از فمینیسم***، ترجمه س. امیری، تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی.

۱۱. چراغی کوتیانی، اسماعیل، ۱۳۸۹، ***خانواده، اسلام و فمینیسم***، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی‌ﷺ.

۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۳۷٤، ***وسائل الشیعة***، ج ۷، تهران، مکتبة الاسلامیة.

۱۳. حسینی‌زاده، سید علی، ۱۳۹۰، ***نقد و بررسی مبانی انسان‌شناختی فمینیسم لیبرال و دلالت‌های تربیتی آن ازدیدگاه اسلام***، تهران، دانشکده روان‌شناسی.

۱٤. ـــــــــــ، ۱۳۹۱، ***تربیت فرزند***، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۱۵. حمزه سالارزایی، امیر، ۱۳۸٦، «بررسی فقهی و حقوقی اسقاط جنین»، ***فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن***، بی‌جا، سال چهارم، ش ۱۳.

۱٦. دوبوار، سیمون، ۱۳۸۰، ***جنس دوم***، ترجمه قاسم صنعوی، تهران، توس.

۱۷. دولتی، غزاله، ۱۳۸۸، ***بررسی مبانی فلسفی، اخلاقی و کلامی فمینیسم***، قم، نشر معارف.

۱۸. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳٦۳، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۱۹. فرنچ، ماریلین، ۱۳۷۳، ***جنگ علیه زنان***، تهران، علمی.

۲۰. فریدمن، جین، ۱۳۸۱، ***فمینیسم***، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران، آشیان.

۲۱. فضل‌الله، سید محمدحسین، ۱۳۸۷، ***اسلام، زن و جستاری تازه***، ترجمه مجید مرادی، قم، بوستان کتاب، چ ۳.

۲۲. قرائتی، محسن، ۱۳۷۷، ***تفسیر نور***، ج ۳، قم، مؤسسه در راه حق.

۲۳. کمپل، الستیرو، ۱۳۷۲، ***معضلات اخلاق پزشکی***، ترجمه حسن میانداری، تهران، معاونت امور فرهنگی ـ حقوقی مجلس.

۲٤. متقی هندی، علاءالدین بن حسام‌الدین، ۱٤۰۹ ق، ***کنز العمال***، ج ۱، بیروت، مؤسسه الوفاء.

۲۵. متمسک، رضا، ۱۳۸۰، ***فمینیسم اسلامی***، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

۲٦. مشیرزاده، حمیرا، ۱۳۸۵، ***از جنبش تا نظریه اجتماعی***، تهران، شیرازه.

۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳٦۷، ***توحید در نظام عقیدتی و نظام ارزشی اسلام***، قم، شفق.

۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳٦۳، ***تفسیر نمونه***، قم، دارالکتب الاسلامیه.

۲۹. ـــــــــــ، ۱٤۲۲ ق، ***بحوث فقهیه مهمه***، قم، امام علی علیه‌السلام.

۳۰. مهرپور، حسین، ۱۳۷۱، ***مجموعه نظرات شورای نگهبان***، تهران، کیهان.

۳۱. میشل، آندره، ۱۳۷٦، ***پیکار با تبعیض جنسی***، ترجمه محمد جعفرپوینده، تهران، نگاه.

۳۲. نوذری، محمد، ۱۳۸٤، «سقط جنین در حقوق اسلامی»، ***فصلنامه کتاب زنان***، سال هفتم، شماره ۲۸.

33. Hekman, susan, 1992, ***Gender and Knowledge***, Northeastern University press, Boston.

34. Jaggar, Alison, 1994, "Human Biology in Feminist Theory: Sexual Equality Reconsidered", in Helen corowly and susan Himmelweit, ***Knowing Women***, Polity Press: the open university, Cambridge.